

اقتصاد

۱- گزینه «۳» -

ویژگی‌های مشترک کارآفرینان موفق:

تیزبین: فرصت‌های کسب و کار را زمانی که دیگران شاید متوجه نشوند، می‌بینند.

نوآور: ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.

ریسک‌پذیر: پس‌انداز و خوش‌نامی‌شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می‌آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه‌اندازی کنند.

خوش‌بین: کارآفرینان واقع‌بین هستند اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی‌اند.

پرانگیزه: نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

یادگیرنده: از کارشناسان، همکاران و مشتریان می‌آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می‌دهند.

سازمان‌دهنده: منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.

(شریفی) (فصل اول - درس اول - صفحه ۶) (آسان)

۲-

گزینه «۱» - کسب و کار شخصی: مزایای کسب و کار شخصی: راه‌اندازی آسان و

هزینه‌های نسبتاً اندک، آزادی عمل و سهولت در تصمیم‌گیری، (تصمیم‌گیری در مورد بازاریابی،

تغییر شرایط بازار و ...)، مالکیت کامل سود، منافع مالیاتی (فقط یک بار مالیات بر درآمد می‌دهید)

معایب کسب و کار شخصی: بار سنگین مسئولیت (همه چیز به شما بر می‌گردد، حتی در

ناخوشی و سفر)، مشکل تأمین مالی (پس‌انداز شخصی و قرض از دوستان و خانواده)،

مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی.

- تعاونی: تعاونی‌ها مراحل راه‌اندازی کم و بیش مشابهی با شرکت‌ها دارند و توزیع سود

احتمالی در تعاونی‌ها همانند شرکت‌ها در پایان دوره به نسبت سرمایه هر عضو است. نحوه

اداره تعاونی‌ها براساس هر نفر، یک حق رأی است، یعنی هر کدام از اعضا صرف نظر از اینکه

چقدر از سرمایه تعاونی را تأمین کرده باشد، یک رأی خواهد داشت.

- شرکت سهامی:

مزایای ایجاد شرکت (سهامی): مسئولیت محدود برای سهام‌داران (ضرر و بدهی سهام‌داران

محدود به میزان سهام)، امکان افزایش سرمایه و تأمین مالی بانکی، (از طریق افزایش سهام -

داران یا افزایش سرمایه آن‌ها و نیز وام‌های بانکی)، امکان رقابت بالاتر، (به دلیل مقیاس

تولید بالا، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و قیمت پایین‌تر نسبت به رقبا)، تخصص‌گرایی بیشتر

(امکان جذب افراد توانمندتر در زمینه‌های تخصصی و ویژه).

معایب ایجاد شرکت (سهامی): هزینه‌های راه‌اندازی بالاتر، تأخیر در تصمیم‌گیری، پیچیدگی

در رابطه مدیریت، مالکیت و موفقیت‌های غیرفردی، تقسیم سود به تناسب مالکیت سهام،

قوانین پیچیده‌تر و گزارش‌دهی بیشتر.

- مؤسسه غیرانتفاعی و خیریه:

یک مؤسسه غیرانتفاعی، نهادی قانونی است که برای انجام مأموریتی غیرسودآور، یعنی با

هدفی غیرتجاری شکل گرفته است. این مأموریت‌ها اغلب زمینه‌هایی انسانی و اجتماعی

دارند؛ مانند امور خیریه، آموزش، توسعه علمی و دینی، بهداشت و سلامت و ... محدوده

عمل آن‌ها گاهی محلی، گاهی ملی و حتی جهانی است.

(شریفی) (فصل اول - درس دوم - صفحه ۱۴ تا ۱۹) (دشوار)

۳-

گزینه «۲» -

۱۰۰ × $\frac{\text{درف طس‌وت ه‌دش‌ی‌رادی‌رخ‌ماه‌س‌ش‌زرا}}{\text{ت‌ک‌ر‌ش‌ماه‌س‌ش‌زرا}}$ = درصد مالکیت فرد از دارایی شرکت

$۲۰ = \frac{۵۵۰۰}{۱۰۰} \times ۱۰۰$ = تکرش ماه‌س‌ش‌زرا

تومان ۲۷,۵۰۰ = $\frac{۵۵۰۰ \times ۱۰۰}{۲۰}$ = ارزش سهام شرکت $\Rightarrow$

(شریفی) (فصل اول - درس دوم - صفحه ۱۶) (متوسط)

۴-

گزینه «۲» - فهمیدن اینکه هزینه‌ها را چطور ارزیابی کنیم، تنها بخشی از گرفتن یک

تصمیم خوب است. (هزینه هدررفته)

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه‌های ۲۴ تا ۲۹) (آسان)

۵-

گزینه «۴» - باغچه: منابع طبیعی / ابزارآلات: سرمایه فیزیکی / مهارت فروش: سرمایه

انسانی / باغبان استخدامی: نیروی کار

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۲۴ و ۳۲) (آسان)

۶-

گزینه «۲» - ابتدا باید منفعت خالص هر خودرو را محاسبه کنیم:

هزینه - منافع = منفعت خالص

میلیون تومان $-۹۰ = -۲۳۰ - ۱۴۰$ = منفعت خالص خودروی A

میلیون تومان $۲۵ = ۷۵ - ۱۰۰$ = منفعت خالص خودروی B

میلیون تومان $۱۵ = ۶۵ - ۸۰$ = منفعت خالص خودروی C

میلیون تومان $۱۰ = ۵۰ - ۶۰$ = منفعت خالص خودروی D

با محاسبه منفعت خالص، مشاهده می‌شود که منفعت خالص خودروی B بیشتر از سایر

خودروها است و لذا این خودرو ارزش خرید بالاتری دارد.

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۲۹) (متوسط)

۷-

گزینه «۳» - ابتدا باید میزان بازدهی (سود) ناشی از هر سرمایه‌گذاری را به‌دست آوریم:

میلیون تومان $۶۰ = ۶۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰}$ = سود سالیانه خرید و فروش صنایع دستی

میلیون تومان ۷۲ = سود سالیانه حاصل از خرید زمین

میلیون تومان ۱۲ = $۶۰۰ \times \frac{۲۰}{۱۰۰}$ = سود سالیانه سپرده‌گذاری در بانک

در نتیجه سپرده‌گذاری در حساب پس‌انداز بلندمدت بانک بهترین و سودآورترین انتخاب است.

منافع بهترین انتخاب بعدی که سود سالیانه حاصل از خرید زمین (با سود سالیانه ۷۲ میلیون تومان) است ولی فرد از آن صرف‌نظر کرده است، هزینه فرصت انتخاب فرد محسوب می‌شود.

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۲۵، ۲۶ و ۲۹) (دشوار)

گزینه «۱» -

۸-

الف) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهنده مقدار کالای A و B است که فرد

می‌تواند با بودجه مشخص ۱۰,۰۰۰ تومان بخرد، در نتیجه خواهیم داشت:

$۱۰,۰۰۰ = (۴ \times ۱,۰۰۰) + (X \times ۲,۰۰۰)$

$\Rightarrow ۱۰,۰۰۰ = ۴,۰۰۰ + (X \times ۲,۰۰۰) \Rightarrow ۶,۰۰۰ = X \times ۲,۰۰۰$

واحد $۳ = \frac{۶,۰۰۰}{۲,۰۰۰} = X$

ب) با توجه به اینکه: ۱- میزان بودجه فرد برابر با ۱۰ هزار تومان است و ۲- قیمت هر واحد

کالای B، ۱,۰۰۰ تومان است، خواهیم داشت:

$\frac{\text{درف‌ه‌ج‌دوب‌نازی‌م}}{\text{ی‌ال‌اک‌دحا‌و‌ه‌ت‌م‌ی‌ق‌B}} = \text{حداکثر کالای B خریداری شده}$

عدد $۱۰ = \frac{۱۰,۰۰۰}{۱,۰۰۰} = \text{حداکثر کالای B خریداری شده} \Rightarrow$

اگر فرد تمامی بودجه خود را به خرید کالای B اختصاص دهد، حداکثر می‌تواند ۱۰ واحد

از این کالا را خریداری کند.

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۲۷ و ۲۸) (دشوار)

گزینه «۴» -

۹-

- توجه به هزینه‌های هدررفته: فرد به جای تصمیم‌گیری منطقی (ترک کلاس بی‌فایده)، به

پولی که قبلاً خرج کرده توجه می‌کند.

- بی‌حسری زیاد: فرد نمی‌تواند برای رسیدن به هدف خود در آینده، صبر کند و هزینه

زیادی را در حال حاضر می‌پردازد.

- جسییدن به وضعیت فعلی: یعنی ترجیح دادن شرایط فعلی حتی اگر گزینه بهتر و

جدیدتری وجود داشته باشد.

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۳۱) (متوسط)

گزینه «۱» -

۱۰-

میلیون تومان $۲۱۰ = ۱۰ \times ۱۲ \times ۷۵ \times ۱۰$ = حقوق سالانه مجموع کارگران

میلیون تومان ۴۵ = هزینه خرید سالانه ماشین‌آلات

هزینه خرید سالانه مواد اولیه

میلیون تومان $۱۸۰ = \frac{۱}{۳} \times ۴۵ \times ۱۲ \times ۱۲$ = (هزینه سالانه خرید ماشین‌آلات $\times \frac{۱}{۳}$)

تومان $۲,۵۵۰,۰۰۰ = ۲۵۰ \times ۸۵۰,۰۰۰ \times ۱۲$ = درآمد سالانه حاصل از فروش محصولات

میلیون تومان ۲,۵۵۰ =

توجه: هزینه تحصیل فرزندان مدیر کارخانه جزو هزینه‌های تولید بنگاه اقتصادی نیست.

میلیون تومان $۱۲ = \text{هزینه فرصت سالانه}$

مجموع هزینه‌های کارگاه تولیدی با احتساب هزینه فرصت

میلیون تومان $۵۵۵ = ۱۲ + ۱۸۰ + ۴۵ + ۲۱۰$

چون میزان درآمد از هزینه‌ها پیش‌تر است، تولیدکننده از فعالیت خود سود برده است.

مجموع هزینه‌های تولید (هزینه‌های مستقیم و هزینه فرصت) - درآمد = سود اقتصادی

میلیون تومان $۱,۹۹۵ = ۵۵۵ - ۲,۵۵۰$

(شریفی) (فصل اول - درس سوم - صفحه ۸، ۲۶ و ۳۲) (دشوار)